

انحراف و کزروی و جرم و جنایت، سابقه دیرینه‌ای در زندگی بشر دارد؛ آن چنان که در قرآن شریف و آیات خلقت آدم علیه السلام آمده است فرشتگان، آفرینش موجود زمینی را مایه خون ریزی و فساد در روی زمین می‌دانستند. به گونه‌ای که از ابتدای خلقت انسان و هیبوط حضرت آدم ابوالبشر به روی زمین تا کنون شاهد انواع جنایات و فجایع، فساد و تباهی، انحراف و کزروی هستیم. از سوی دیگر تاریخ نشان می‌دهد که بشر از گذشته دور، دمامد در فکر مقابله با جرایم و انحرافات بوده و در این زمینه دستاوردهایی نیز داشته است و به تناسب افزایش جرم و جنایت به اتخاذ انواع تدابیر پیشگیرانه، هر چند بیشتر از نوع کیفری، روی آورده است.

کیفری نظام‌های حقوقی از انواع مجازات‌ها و تدابیر تنبیهی پر و آکنده می‌باشد. ولی امروزه برای پیشگیری از جرایم در جوامع باید نقش اساسی قائل شد و در خصوص اهمیت پیشگیری از جرایم می‌توان به ناتوانی مجازات‌ها و کیفرهای مختلف در جلوگیری از ارتکاب جرایم و کاهش آن‌ها اشاره کرد. لذا برای پیشگیری از جرم باید نقش اصلی قائل شد و نه نقش فرعی.

به همین دلیل بر آن شدیم که در مقاله ارائه شده، مفهوم شناسی درباره‌ی پیشگیری و فایده‌ی پیشگیری و اصول کلی حاکم بر آن، انواع پیشگیری و عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد بزهکاری و عوامل مؤثر در پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم را بیان کنیم و در پایان اصول و مبانی حاکم بر دو نوع پیشگیری اجتماعی و وضعی را مورد بررسی قرار دهیم.

فرشید چاله چاله

وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه

قسمت اول

درآمد

گر خطا گفتم اصلاحش تو کن

مصلحتی تو، ای تو سلطان سفین

کیمیای داری که تیر پایش کنی

گر چه بوی فزون بود نیش کنی

این چنین مینیا گری ها کار تست

این چنین آکسیر ها ز اسرار تو ست

# اصول و

# مبانی پیشگیری از جرم

**مبحث اول: تعریف لغوی، تعریف علمی، اوصاف پیشگیری از جرم، محدودیت‌ها و موانع پیشگیری**

### گفتار اول: تعریف لغوی

واژه پیشگیری را از نظر لغوی، جلوگیری کرده، مانع شدن، جلوگیری از وقوع یا از پیش جلوی شیوع بیماری یا رویداد و حادثه یا مصیبتی را گرفتن<sup>(۱)</sup>، معنا کرده‌اند. با توجه به معنای لغوی پیشگیری، این واژه هم به معنای پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و جلوی چیزی رفتن و هم به معنای آگاه کردن و هشدار دادن است اما از میان این معناها در جرم‌شناسی پیشگیرانه معنای نخست مدنظر است. بر اساس این معنا با اتخاذ تدابیر و به کارگیری اقدامات مناسب باید به استقبال جرم رفت و از ارتکاب این پدیده جلوگیری کرد.

### گفتار دوم: تعریف علمی از پیشگیری

با توجه به نگرش‌های گوناگونی که در میان جرم‌شناسان وجود دارد پیش‌گیری از بزهکاری را می‌توان به دو صورت عام و خاص تعریف کرد.

در معنای عام، پیشگیری از جرم هر اقدامی است که جلوی ارتکاب جرم را بگیرد که این اقدام (یا اقدامات) می‌تواند جنبه کیفری یا غیر کیفری داشته باشد. به دیگر سخن، هر آن چه علیه جرم باشد و سبب کاهش نرخ بزهکاری گردد در گستره معنای عام پیشگیری از جرم قرار دارد.<sup>(۲)</sup>

بنابراین پیشگیری از جرم در معنای خاص، مجموعه تدابیر و اقدامات غیر کیفری با هدف مقابله با بزهکاری از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نیز اثرگذاری بر فرصت‌های پیش‌جنایی است؛ به گونه‌ای که بتوان با استفاده از ابتکارات و سازوکارهای

غیر قهرآمیز بر شخصیت افراد و وضعیت پیش از ارتکاب جرم اثر گذاشت تا از رخ دادن بزه جلوگیری نمود.

### گفتار سوم: اوصاف پیشگیری

آقای گسن جرم‌شناس فرانسوی، برای پیشگیری یعنی «اقدام نسبت به عوامل و فرآیندهای بزهکاری» چهار معیار در نظر گرفته است:<sup>(۳)</sup>

۱- اقدامی پیشگیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا «انحراف جرم‌گونه» باشد؛ یعنی اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده و قاطع ایفا می‌کنند.

۲- تدابیر یا اقدام‌های پیشگیرنده جنبه جمعی دارد؛ یعنی مخاطب آن، کل جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن است.

۳- زمانی که هدف اجتناب از انتخاب رفتارهای مجرمانه و منحرفانه است، اقدام‌ها و تدابیری پیشگیرانه خوانده می‌شود که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کجروانه و نه بعد از آن اعمال شوند.

۴- و بالأخره اگر پیشگیری شامل اعمال تدابیر یا اقدام‌هایی قبل از ارتکاب هر جرم کیفری یا پیش از انتخاب هر رفتار منحرفانه است در این صورت، این تدابیر یا اقدامها نمی‌تواند مستقیماً قهرآمیز و سرکوبگر باشند؛ زیرا اعمال سرکوبی کیفری مستلزم آن است که جرمی قبلاً ارتکاب یافته باشد.

آقای گسن با توجه به این معیارهای چهارگانه معتقد است که «پیشگیری شامل مجموع تدابیر سیاست جنایی، به استثنای تدابیر نظام کیفری می‌شود که غایت انحصاری یا لاقلاً جزئی آن، تحدید امکان وقوع مجموع اقدام‌های مجرمانه از طریق غیر ممکن کردن، دشوارتر کردن یا کم‌تر

محتمل کردن آن هاست.»

### گفتار چهارم: محدودیت‌ها و موانع پیشگیری

**مانع اول:** مربوط به خود جرایم است. همه جرایم به طور مساوی و برابر نمی‌توانند از طریق پیشگیری و روش‌های مختلف پیشگیری در جرم‌شناسی کاهش یابند. بعضی از جرایم را صرفاً می‌توان از طریق سرکوبی و مجازات جلوی ارتکابشان را گرفت. جرایمی مثل تروریسم، آدمکشی یا جرم قتل دسته جمعی غالباً با مجازات شدید می‌توان از وقوع آن‌ها جلوگیری نمود. برعکس جرایمی وجود دارد که با روش‌های پیشگیرانه می‌توان جلوی ارتکاب آن‌ها را گرفت لذا با توجه به تنوع جرایم پیشگیری‌ها به تنهایی کافی نیستند.

**مانع دوم:** مربوط به افراد است؛ یعنی، مجرمین بالقوه. عده‌ای از انسان‌ها نسبت به اقدامات پیشگیرانه حساسیت مثبت دارند؛ یعنی پیشگیری نسبت به آن‌ها کارساز است اما در مقابل واکنش بعضی از مردم نسبت به پیشگیری چه از لحاظ روحی یا شخصیتی ناچیز و اندک است. عده‌ای از افراد مصمم به ارتکاب جرم هستند؛ در خصوص این افراد اصطلاح «ابر بزهکار» به کار می‌رود. در مقابل این دو دسته افراد دیگری وجود دارند که از نظر روانی و جسمانی پیشگیری نسبت به آن‌ها اثری ندارد.

**مانع سوم:** مربوط به روش‌های پیشگیری است. همه روش‌های پیشگیری اعتبار مساوی ندارند؛ بعضی از روش‌ها اگر مؤثر باشند هزینه سنگینی را به دنبال دارند به طوری که هزینه‌های مصرف‌دراین روش‌ها بیش از حد صرفه‌جویی جلوگیری از ارتکاب جرم است.

بعضی از روش‌های پیشگیری تالی فاسد دارند. بعضی دیگر از این روش‌ها بزهکاران

بالقوه را با تکنیک هایی آشنا می کند که بعداً پیشگیری را خنثی می کند و بعضی از روش های پیشگیری احساس امنیت را خدشه دار می کند.

**مانع چهارم)** بعضی از انواع پیشگیری منجر به پیشگیری از جرم نمی شود بلکه منجر به جابه جایی جرم می شود و این جابه جایی گاه در زمان و مکان و گاه در ماهیت جرم صورت می گیرد.

**مانع پنجم)** جنبه حقوق بشری دارد بدین معنا که بعضی از روش های پیشگیری از جرم منجر به ایجاد محدودیت هایی در آزادی رفت و آمد می شود و به خلوت افراد و به بعضی از اصول حقوق بشر لطمه می زند؛ مثلاً گشت های پلیس با خلوت افراد منافات دارد و ممکن است به خلوت افراد تجاوز شود.<sup>(۵)</sup>

**مانع ششم)** مانع و محدودیت ششم این است که پیشگیری در بادی امر مجازات و سرکوبی را از کنترل جرم خارج می کند؛ یعنی دور نمای مجازات را زائل می کند؛ حال آن که فی الواقع پیشگیری باید زمینه ای باشد برای استفاده احتمالی از مجازات. به عبارت دیگر تأثیر پیشگیری بدون وجود دور نمای مجازات و عدالت کیفری اندک و محدود است؛ یعنی اگر پیشگیری شکست خورد، جامعه باید بداند که خلع سلاح نیست و سلاحی به نام کیفر دارد. بنابراین به عنوان نتیجه گیری می توان گفت که پیشگیری و مجازات مکمل یکدیگر هستند و یک نوعی جدول و دیالوگ بین آن ها وجود دارد. مجازات و اقدامات پیشگیرانه باید در حد تعادل باشد.

بحث ما در پیشگیری این است که در صورت عدم تأثیر آن در کاهش جرم با اعمال مجازات از جامعه حمایت شود. پیشگیری مستغنا از مجازات نیست بلکه مهم تعادل بین پیشگیری و مجازات است. حقوق کیفری و حقوق پیشگیری مکمل

یکدیگر هستند و از لحاظ ترتیب باید بدواً پیشگیری اعمال شود و سپس در صورت عدم کارایی حقوق وارد عمل شود (Prevention-ration).

#### مبحث دوم: انواع پیشگیری

در جرم شناسی و برحسب تاریخ ظهور آن ها، شش نوع پیشگیری قابل تفکیک از هم است بدون این که تفکیک و طبقه بندی مطلق باشد. چهار نوع نخست تحت عنوان «پیشگیری متداول» و دو نوع دیگر به عنوان «پیشگیری جدید» مورد توجه قرار می گیرد. بدیهی است که این پیشگیری ها هر یک مبتنی بر مکتب و نظریه خاصی در جرم شناسی است.

#### گفتار اول: پیشگیری های متداول

##### ۱- پیشگیری از بزهکاری اطفال

قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است؛ طبق این تفکیک در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار که شخصیت آن ها در حال شکل گیری و قوام یافتن است، باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده نمود، حال آن که در مورد بزهکاران بزرگسال باید از ارعاب انگیزی از طریق تهدید به مجازات استفاده کرد؛ زیرا شخصیت آن ها شکل و قوام گرفته است. پیشگیری اخیر با این معیارها، قدری جنبه کیفری به خود می گیرد و بی تردید پلیس و نمودهای خارجی پلیس سنتی به عنوان یکی از ارکان نظام کیفری در آن نقش مهمی دارد.

##### ۲- پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی

این نوع پیشگیری نوع دیگر از پیشگیری از بزهکاری است. در پیشگیری عمومی اقدام علیه عوامل بزهکاری عمومی مورد توجه است. بدیهی است نهاد های مردمی و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه، محله

#### در معنای عام

#### پیشگیری از جرم هر اقدامی است

#### که جلوی ارتکاب جرم

#### (ابگیرد که این اقدام (یا اقدامات)

#### می تواند جنبه کیفری یا غیر کیفری

#### داشته باشد. به دیگر سخن

#### هر آن چه علیه جرم باشد و سبب

#### کاهش نرخ بزهکاری گردد

#### (در گستره معنای عام پیشگیری

#### از جرم قرار دارد).

و... و محیط سربازی در این نوع پیشگیری نقش عمده ای دارند حال آن که در پیشگیری اختصاصی، عوامل اختصاصی پیشگیری جرایم و خنثی کردن آن ها مورد توجه قرار می گیرد.

#### ۳- پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال

پیشگیری انفعالی (منفعل) و پیشگیری فعال - که نخستین آورده اجلاس اینترپل در مورد پیشگیری است - که از اواسط سال های شصت میلادی متداول شد در جرم شناسی پیش گیرنده، از نوع «هشدار پلیسی» به استقبال پدیده ای که باید مانع وقوع آن شد، نمی رود، بلکه به طور انفعالی منتظر تأثیر این اقدام ها باقی می ماند؛ حال آن که در پیشگیری فعال، پلیس برای اجتناب از وقوع جرم عمل می کند؛ مثلاً برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را که در معرض جرم یا انحراف در زمان یا مکان خاصی قرار دارند، به عهده می گیرد. مشارکت جامعه مدنی و شوراهای شهر و شهرداری ها یا اقدام مستقل هر یک از آن ها در این خصوص نقش عمده ای ایفا می کنند.

#### ۴- پیشگیری اولیه، ثانویه، ثالث<sup>(۶)</sup>

این نوع پیشگیری با الهام از مدل معمولی در پزشکی ایجاد و از هم تفکیک شده است.

#### ۴-۱- پیشگیری اولیه (نخستین)

این نوع پیشگیری شامل اقدام‌هایی است که تمام جمعیت را در بر می‌گیرد و صرفاً به وضعیت خاص گروه‌های در معرض خطر توجه ندارد و قبل از بروز مشکل یا اختلال وارد میدان می‌شود. بنابراین هدف پیشگیری اولیه، جلوگیری از بروز اختلال یا ایجاد موانعی در راه گسترش آن است.

#### ۴-۲- پیشگیری ثانویه (دومین)

این پیشگیری شامل اقدام‌هایی است که در مورد یک گروه خاص یا یک گروه در معرض خطر یعنی گروهی که احتمال بروز خطر در آن‌ها بسیار زیاد است، انجام می‌شود.

به عبارت دیگر، پیشگیری ثانویه مداخلات در زمینه‌ای زودرس را در بر می‌گیرد و هدفش جلوگیری از وخیم یا مزمن شدن یک اختلال در حال پیشگیری است. بنابراین، جمعیت هدف در این نوع پیشگیری بسیار محدودتر از پیشگیری اولیه است؛ برای مثال، تدارک برنامه‌های پیش دبستانی برای کودکان غیر مرفه را می‌توان نمونه‌ای از پیشگیری ثانویه به حساب آورد.

#### ۴-۳- پیشگیری ثالث (سومین)

این پیشگیری شامل اقداماتی است که بعد از بروز مشکل، برای جلوگیری از تشدید یا عود بیماری و کمک به بیماران درمان شده و بازپروری آن‌ها برای از سرگیری یک زندگی مستقل، انجام می‌شود و فقط جمعیتی را هدف قرار می‌دهند که مشکلات در آن‌ها بروز کرده‌اند.

مبحث سوم: عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد بزهکاری

الف) عوامل اجتماعی نخستین؛

ب) عوامل اجتماعی ثانوی.

### گفتار اول - عوامل اجتماعی نخستین

#### ۱- تراکم و افزایش بی‌رویه جمعیت:

افزایش بی‌رویه جمعیت می‌تواند از عوامل بروز جرم باشد. گزارش سازمان ملل تحت عنوان وضعیت جهان در سال ۱۹۹۰ حاکی از آن است که جمعیت دنیا سریع‌تر از آن چه انتظار می‌رود روبه‌فزونی است. هم‌اکنون در هر ثانیه سه نوزاد متولد می‌شوند و به این ترتیب روزانه ۲۵۰ هزار تن به جمعیت کره‌خاکی افزوده می‌گردد؛ متأسفانه این افزایش بیشتر در کشورهای فقیر دیده می‌شود. از این رو، جهان با بمب جمعیتی روبروست. در دنیایی که حتی قادر به تأمین بیش از نیمی از نیازهای اساسی جمعیت خود به ویژه در کشورهای روبه‌توسعه نیست، چگونه می‌توان انتظار داشت رشد بی‌رویه جمعیت فاجعه‌ای برای نوع بشر نباشد؟

انفجار جمعیت مسائل و دشواری‌های مختلفی چون فقر، بیکاری، سوء تغذیه، عدم رعایت بهداشت، اعتیاد، فحشا و مانند آن را در پی دارد؛ به نحوی که هم‌اکنون دامنگیر بسیاری از ساکنان این کره‌خاکی شده است. تنش‌ها و ستیزهای اجتماعی ناشی از این انفجار جمعیت در تمامی جنبه‌های زندگی ما رخنه کرده است. کم و کیف جرم‌ها و تشنجات حاصل از آن در مراکز شهری فزونی یافته و جامعه با افزایش انواع جرایمی چون دزدی، سرقت مسلحانه، تجاوز جنسی، ضرب و جرح و قتل روبرو گردیده است. تراکم جمعیت در محلات نیز از عوامل بزه شمرده شده است. محلات شلوغ که در بدترین وضعیت اجتماعی و اقتصادی قرار دارد محل و مأوا برای بسیاری از مشکلات اجتماعی است<sup>(۱)</sup> یافته تحقیق «جی. ال. برن» نیز در این باب حاکی از آن است که میزان بزهکاری

جوانان، در نقاط برخوردار از افزایش جمعیت زیاد بیش از سایر نقاط بوده است.

#### ۲- فقر و محرومیت:

از دیگر عوامل محیطی جرم می‌توان فقر، بیکاری، بیسوادی، نادانی و شرایط بد اقتصادی را نام برد. در بسیاری از فرهنگ‌ها فقر را به معنای «عدم تکافوی ضروریات زندگی» تعریف کرده‌اند. چنین تعریفی به طور کلی، دقیق و جامع نیست؛ زیرا ضروریات زندگی هر جامعه در طول زمان و مکان ابعاد و اشکال گوناگونی دارد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر دگرگون می‌شود. از این رو، تعیین یک تعریف علمی برای «فقر» که برای هر زمان و مکان صادق باشد، ممکن نیست. پژوهشگران ضوابط و معیارهای ویژه‌ای چون درآمد سرانه، میزان مصرف روزانه کالری، مساحت سرانه مسکن، مصرف سرانه مواد غذایی و پوشاک، میزان برخوردار از آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و حتی سرگرمی و تفریح را تعیین کرده، براساس آن خط فقر را مشخص می‌کنند. برخی از جامعه‌شناسان فقر و بینوایی را از عوامل به وجود آورنده جرم دانسته، می‌گویند که در فرد تهیدست، عقده حقارت ایجاد می‌شود و او را به ارتکاب جرم وامی‌دارد به این تعبیر، همان طور که سرما یا گرسنگی شخص را وادار به «کژرفتاری» می‌کند، حسد و جاه طلبی نیز ممکن است فرد را به انحراف سوق دهد. غالب پسران و دخترانی که منحرف شده‌اند از یک سو دارای زندگی محقر بوده و از سوی دیگر تمایل داشته‌اند لباس‌های فاخر و تجملات دیگر داشته باشند. به طور کلی در خانواده‌هایی که در کنار هم زندگی می‌کنند و از لحاظ سکونت در زحمت و مضیقه هستند، به ویژه در نقاط پر جمعیت شهری که چندین نفر مجبور به سکونت در یک اتاق می‌باشند، استعداد «بزهکاری» بیشتر است. جوانانی که باید

در همان اتاق پدر و مادر خود با سایر برادران و خواهران بزرگ تر یا کوچک تر زندگی کنند و ناچارند هر گونه صدا، تمایل، سلیقه‌ی متضاد و دخالت‌های به جا و نابه جای دیگران را از نزدیک احساس و تحمل کنند، آمادگی بیشتری برای ارتکاب جرم دارند. از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی، بیکاری و فقر نیز می‌تواند عامل عمده‌ای در پیدایی نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه موجب بالا رفتن انواع کجروی‌های اجتماعی به خصوص اعتیاد به مواد مخدر و حتی خودکشی باشد. گزارش رسیده از دهلی نو حاکی از آن است که در سال ۱۹۹۰ حدود ۴۸۲۳ زن هندی به دلیل فقر و نداشتن جهیزیه برای ازدواج یا کمبود جهیزیه دست به خودکشی زده یا توسط همسران یا افراد وابسته به خود محکوم به مرگ شده‌اند. اما نکته‌ای که باید آن را مورد توجه قرار داد این است که فقر اگر چه گاهی عامل بزهکاری است ولی نمی‌توان آن را تنها عامل بزهکاری دانست. «استر هندولاک» بعد از مطالعه ده هزار نفر از زاغه‌نشینان، اعلام داشتند که فقر و بی‌چیزی به تنهایی عامل به وجود آورنده بزهکاری نیست و عوامل اجتماعی دیگری نیز در پیدایش بزهکاری این قبیل اشخاص دخالت دارد. بیشتر این افراد خانه به دوش، هرگز عضوی از اجتماع نبوده و احساس شرکت در هیچ جماعتی را نداشته‌اند. بیش از نصف آن‌ها حداکثر عمر خود را به صورت فعلی کار کرده‌اند. بعضی از آن‌ها به علت بحران‌های اقتصادی مرتب تغییر شغل داده‌اند و تعداد معدودی از آن‌ها، روابط صمیمانه و نزدیکی با خانواده‌های خود داشته‌اند. یک سوم از آن‌ها تن به ازدواج داده‌اند و تقریباً همه آن‌ها از همسران خود جدا شده بودند و دوستان خیلی کمی داشتند.<sup>(۸)</sup> از سوی دیگر مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد در

کشورهایی که توزیع ثروت به صورت عادلانه نباشد، هر روز فقرا فقیرتر و اغنیای ثروتمندتر می‌شوند؛ فاصله طبقاتی فزونی می‌یابد و به علت عدم آموزش‌های اجتماعی و ضعف فرهنگی و فقدان احساس همبستگی ناشی از مادی‌گرایی و فردگرایی - که از اختصاصات جامعه‌های در حال توسعه است - افراد قادر به هدایت درست ستیز علیه این بی‌عدالتی اجتماعی نیستند. در نتیجه، شاهد آن هستیم که ارزش‌های اجتماعی فاقد اعتبار می‌شود، نظارت اجتماعی سست می‌گردد و بزهکاری و تبهکاری عمومیت پیدا می‌کند.

**۳- مدرسه:**

مدرسه یکی نهادهای اجتماعی است که بعد از خانواده نقش مهمی در زندگی اجتماعی کودک و نوجوان و جوانان به عهده دارد؛ زیرا دانش آموز بیشتر وقت زنده و فعال خود را در مدرسه می‌گذراند. موقعیت و برنامه‌های مدرسه اثر مهمی در علاقه‌مندی و یا فرار جوان از مدرسه دارد و معمولاً جوان اولین قدم خویش را به طرف عالم بزهکاری با فرار از مدرسه بر می‌دارد و گاه مدارس موقعیت‌های ناسالم و نامطلوبی برای جوانان ایجاد می‌کنند. در بعضی از مدارس، نامناسب بودن برنامه، محیط سرد و غم‌آور، نبود معلمان ورزش‌دیده و تعلیم دیده، عدم توجه و علاقه به وضع دانش‌آموزان شلوغ و پرجمعیت بودن کلاس‌ها، انبوه وظایف و تکالیف و عدم فرصت کافی برای معلمان به منظور رسیدگی به مشکلات دانش‌آموزانی که در مورد وضع تحصیلی اجتماعی یا شخصی خود نیاز به کمک دارند، سبب می‌شود که این‌قبیله دانش‌آموزان به محض ایجاد شرایط لازم و یا بهره‌گیری از شیوه جبرانی به رفتار بزهکارانه روی آورده از این طریق تا حدودی جلب توجه و احساس موفقیت کنند. بدین

## تأثیر مدرسه به عنوان یک عامل اجتماعی مؤثر در پیدایش بزهکاری برمب پدیده جامعه پذیر قابل تبیین است

جهت، تأثیر مدرسه به عنوان یک عامل اجتماعی مؤثر در پیدایش بزهکاری بر حسب پدیده جامعه‌پذیری قابل تبیین است؛ ناتوانی نظام آموزشی در درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری جامعه در فرد یا القای ارزش‌ها و هنجارهای مطرود جامعه توسط آموزگاران ناهمنوا، فراهم آوردن زمینه عضویت دانش‌آموز در گروه‌های ناهمنوا به ویژه گروه همسالان در این محیط، فراهم آمدن زمینه اختلالات روانی فرد در اثر رفتارهای ناصحیح اولیای مدرسه، انگ بزهکار خوردن فرد و اثر پیشداوری‌های آموزگاران یا دانش‌آموزان و...

### ۴- شهرنشینی:

در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت روستاییان به جوامع شهری، در حقیقت انتقال فقر روستاها به شهرها است. این توده‌های انبوه انسانی که در مرحله تحول از زندگی روستایی به شهری قرار می‌گیرند برای تطبیق و تثبیت وضع موجود خویش از نظر اقتصادی و اجتماعی ناگزیرند در

**شهرنشینی ناپهنجا (وگسترش  
حاشیه‌های فقیر  
اتلاف منابع و انرژی را در پی دارد.  
ترافیک، آلودگی هوا  
شهرنشینان را تهدید می‌کند  
و شهرها با تخریب جنگل‌ها  
و فضای سبز، و شدت گرفتن  
افتلالات عصبی  
و آسیب‌های اجتماعی مختلف  
مواجه‌اند**

حاشیه شهرها زندگی کنند. افزایش جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان را در پی دارد. این مهاجرت‌ها مسائل و دشواری‌هایی را به بار می‌آورد که به برخی از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌شود:

۱- شغل‌های کاذب و فریبندگی و جاذبه‌های کاذب شهرها موجب فزونی مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به شهرهای بزرگ، به خصوص شهرهای مرکزی استان‌ها یا مرکز کشور می‌شود؛ مهاجران و روستاییان که بدون برنامه‌ریزی قبلی به شهرها هجوم می‌آوردند، با بیکاری نامحدود مواجه شده، ناچار به کارهای غیرقانونی و ضداجتماعی چون خرید و فروش مواد مخدر، واسطه‌گری و دلالی و امثال آن تن در می‌دهند و در نتیجه موجب اشاعه اعتیاد و توزیع مواد مخدر می‌گردند،

۳- روستاییانی که به فرهنگ و زندگی ساده خود پشت پا زده و به نقاط شهری روی می‌آوردند، به خاطر نامتجانس بودن

با شیوه زندگی شهری، هویت خود را کم و بیش از دست می‌دهند و در محیط‌های نامأنوس شهری مرتکب جرم می‌شوند؛

۴- در چند دهه گذشته، وابستگی به روستا و انتساب به ده، نوعی ضدارزش محسوب می‌شد و نوعی تحقیر اجتماعی را به دنبال داشت؛ تا جایی که واژه دهاتی در اکثر موارد نوعی توهین به حساب می‌آمد. بی‌شک در چنین فرهنگی، فرار از زندگی روستایی و پناه بردن به شهر، به خودی خود ارزشمند و مطلوب تلقی می‌شد؛ برای مثال در جامعه شهری تهران با جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر، شاهد برخورد فرهنگ روستایی و فرهنگ شهری و رفتارهای ناشی از این فرهنگ‌ها هستیم. تنوع شهرنشینان این شهر از لحاظ سن، جنس، شغل، سواد، نقش، پایگاه و گروه بندی بسیار متفاوت است و هر کدام با ارزش‌ها، آرزوها، آرمان‌ها و نگرش‌ها یا دیدگاه‌های گوناگونی روپرو هستند که در نتیجه شیوه‌های مختلف زندگی را با شدیدترین تناقض‌ها در پی دارد. این امر همراه با افزایش تراکم جمعیت در برخی از محله‌ها با توجه به تنوع ساکنان و چندگونگی جمعیت موجب شده که شهری مانند تهران به صورت «شهر اندر شهر» در آید و هر گوشه آن با ویژگی‌های خاص خود به صورت شهری جداگانه به حیات اجتماعی خود ادامه دهد. زندگی در روستاها ساده‌تر و روابط افراد در آن جا بارزتر و همنوایی گروهی بیشتر است. شهرها ویژگی‌های خاص خود را دارند و جامعه‌ی گسترده‌ای را ایجاد نموده‌اند که به تفاوت‌های اجتماعی و اختلافات طبقاتی افزوده است و برخورد بین فرم‌ها و نقش اجتماعی افراد ایجاد کرده است و روابط متقابل بین افراد را کم کرده است. در شهرها روابط

صمیمانه بین افراد به تدریج کاهش می‌یابد و بیشتر افراد به سوی فردگرایی حرکت می‌کنند.

رشد سریع شهرها باعث دگرگونی‌های عمده‌ای در نقش اجتماعی افراد می‌شود و گاهی باعث تضاد منابع و تصادم افراد می‌گردد. شهرنشینی ناپهنجا و گسترش حاشیه‌های فقیر، اتلاف منابع و انرژی را در پی دارد. ترافیک، آلودگی هوا، شهرنشینان را تهدید می‌کند. و شهرها با تخریب جنگل‌ها و فضای سبز، و شدت گرفتن اختلالات عصبی و آسیب‌های اجتماعی مختلف مواجه‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- در شهرهای بزرگ به دلیل افزایش بی‌حد جمعیت، هیجان، آشفتگی، نگرانی، ترس و تشویش و اضطراب در بین شهرنشینان رو به فزونی است. به طوری که اغلب شهروندان به کشمکش و فشارهای روانی تهدید می‌شوند؛

۲- رشد بی‌رویه جمعیت در شهرها، بسیاری از شهروندان را با دشواری‌هایی چون ضعف، بی‌حالی، خواب‌آلودگی، نگرانی، عدم تعادل جسمی و روانی مواجه می‌کند و بی‌میلی نسبت به کار و فعالیت را در آن‌ها فزونی می‌بخشد؛

۳- آمارهای مربوط به جرایم و بزهکاری در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ نشانگر فزونی این پدیده‌ها در دهه‌های اخیر است که به نوبه خود از گسترش شهرنشینی ریشه گرفته است؛

۴- انحرافات جنسی، انواع مختلف اعتیاد به مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی و نیز روحیه سودجویی و سوداگری و روابط ناسالم و غلط اقتصادی در شهرها رونق بیشتری دارد؛

۵- فردگرایی و تکروری در بیشتر فعالیت‌ها به چشم می‌خورد. روابط صمیمانه و چهره به چهره در بین شهروندان کم‌تر است و احساس انزوا شدت بیشتر دارد.

۵- حوادث غیرمنتظره از قبیل جنگ، زلزله<sup>(۱)</sup> و...

حوادث پیش بینی نشده اجتماعی باعث ضعف کنترل اجتماعی و شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی می شود و بر میزان بزهکاری می افزاید. در زمان جنگ یا حوادثی از قبیل زلزله، از یک طرف دوام و بقای خانواده دچار تزلزل می شود و از طرفی بحران اقتصادی به وجود می آید. فقر رو به افزایش می گذارد و این دو عامل باعث سوق جوانان به ارتکاب جرم می شود که در این میان، میان از حوادث غیرمنتظره تنها به بررسی اثرات جنگ می پردازیم و در تشریح اثرات جنگ در بروز جرایم، سه دوره قبل از جنگ، زمان جنگ و بعد از جنگ را مورد توجه قرار می دهیم.

#### ۶- پلیس و دادگاه ها:

به تناسب کیفیت و ماهیت بزه یک جوان بزهکار تحویل بازداشتگاه می شود تا زمان بازجویی او در دادگاه فرامی رسد. وظیفه پلیس تماس با والدین، دستگاہ های تربیتی و مراقبت و تحت نظر قرار دادن بزهکار است. آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این است که دادگاه های جوانان باید دادگاه های مخصوصی با قضات ورزیده و تعلیم دیده بدون تشریفات دادگاه های معمولی و بدون حضور سایر مردم باشد؛ زیرا واکنش بیش از اندازه هیجان انگیز مردم کوچه و بازار نسبت به جوانان بزهکار و آن چه که با توجه به دلایل، انجام داده اند و به صورت اعمال نفرت انگیز و شیطانی به نظر می رسد، در حل مسأله کمکی نخواهد کرد. با آن که بسیاری از بازداشتگاه ها شباهت زیادی به زندان دارد، فرستادن جوانان بزهکار به زندان معمولی کار درستی نیست؛ زیرا در آن جاره های جدیدی برای بزهکاری می آموزند. از طرفی تنبیهات بدنی و زدن جوانان به وسیله پلیس در موقع بازداشت، آنان را جری تر کرده و در ارتکاب

خلافکاری مجدد جسورتر می سازد. به علاوه اگر چه این گونه تنبیهات ممکن است آن ها را در وهله اول ناراحت کند، ولی کم کم به آن عادت کرده و از خلافکاری و بزهکاری لذت می برد.

#### گفتار دوم: عوامل اجتماعی ثانوی

##### ۱- وسایل ارتباط جمعی:

وسایل ارتباط جمعی به ابزاری گفته می شود که در یک جامعه از آن برای ابلاغ پیام ها و بیان افکار و انتقال مفاهیم به دیگران استفاده می شود. بررسی اثرات این وسایل یکی از پیچیده ترین مباحث در آسیب شناسی اجتماعی است؛ به همین دلیل، بسیاری از جامعه شناسان در درستی نتایج پژوهش هایی از این دست، تردید نشان می دهند.

امروزه گسترش و توسعه وسایل ارتباط جمعی به حدی است که دوران حاضر را «عصر ارتباطات» نامیده اند. مک لوهان دنیا را با مفهوم «دهکده جهانی» می شناسد و می گوید وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند؛ نسلی که با نسل های پیشین بسیار متفاوت است. نسل امروزی اسیر تکنولوژی و صنعت خود شده و مصرف گرایی و اصراف که بر پایه نیازهای کاذب بنا می شود، اراده و اختیار او را سلب کرده است. از اثرات منفی وسایل ارتباط جمعی «معتاد شدن» به معنای عامل کلمه است.

در بسیاری از موارد، انسان ها چنان به رسانه معتاد می شوند و بدان اعتماد می ورزند که در ساعتی معین بدان نیاز می یابند. تأخیر یا فقدان آن، موجبات از بین رفتن تعادل آنان را فراهم می سازد و زمانی که بدان می رسند؛ مثلاً دستیابی به روزنامه مورد علاقه، قدرت اندیشه از آنان

سلب می شود. آنان بدون هیچ تردید یا اندیشه ای نوشته یا آموزه آن را می پذیرند. بی شبهه، این فرآیند که با خصلت ویژه انسان اندیشمند متباین است، موجب می شود که ذهن دچار کرحتی شود و فرد در جریان حوادث، هم چون پر کاهی بر روی سیالات خروشان، ناخواسته و بی اراده به این سو و آن سو کشیده گردد.

#### مبحث چهارم: انواع پیشگیری اجتماعی

این نوع پیشگیری بر اساس نگرش نوینی که نسبت به آن وجود دارد به دو گونه، «پیشگیری جامعه مدار» و «پیشگیری رشد مدار» تقسیم می گردد.

#### گفتار اول: پیشگیری اجتماعی

##### جامعه مدار

پیشگیری اجتماعی جامعه مدار در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن یا کاهش عوامل جرم زا بر محیط اجتماعی و عمومی اثر گذارد؛ بدین معنی که اگر در محیط عوامل جرم زا وجود داشت، آن ها را خنثی سازیم.

#### گفتار دوم- پیشگیری اجتماعی

##### رشد مدار

پیشگیری اجتماعی رشد مدار که به آن پیشگیری زود هنگام (زودرس) نیز گفته می شود، به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله ی زودرس، از پایداری افراد بزهکار در بزهکاری جلوگیری کند. به بیان دیگر، پیشگیری اجتماعی رشد مدار می کوشد با به کارگیری اقدامات مناسب روان شناختی اجتماعی زود هنگام از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد ممانعت کند. این اقدامات باید پیش از بروز، در آستانه

اختلاف‌های احتمالی معمول جلوی عوامل خطری را که کودکان در معرض آن هستند، بگیرد. رهیافت پیشگیری اجتماعی رشد مدار بر این اندیشه استوار است که مداخله‌ی به‌هنگام، نسبت به کسانی که به دلیل وضعیت‌های ویژه در معرض ارتکاب جرم هستند، می‌تواند جلوی بزهکاری و تداوم گرایش‌های بزهکارانه آنان را بگیرد<sup>(۱۱)</sup> پیشگیری رشد مدار در دوره‌های مختلف رشد جسمانی و عقلانی یک سلسله اقدامات مناسب را صورت می‌دهد تا در آینده طفل مرتکب جرم نشود؛ البته این اقدامات بلندمدت بوده و ممکن است حدود ۲۰ سال بعد جواب دهد.

### مبحث پنجم: عوامل مؤثر در پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم

#### گفتار اول: نقش رسانه در جرم زدایی و جرم زدایی

#### الف) نقش رسانه در فرآیند جرم زدایی (کارکرد منفی آن)<sup>(۱۲)</sup>

هر روز شاهد شرح مفصلی از جرایم اتفاقی در مطبوعات و رادیو و تلویزیون کشورمان هستیم. بسیاری از نشریات قبل از این که نشریه علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی باشند نشریه جنایی هستند؛ تا آن جا که بعضی حتی ادامه حیاتشان منوط به انتشار این اخبار و گزارش‌های غیرواقع بینانه است. از طرفی استقبال مردم نیز از این گونه اخبار کم نیست. ۷٪ مطبوعات اروپایی مطلب خود را به بزهکاری اختصاص می‌دهند و از هر ده نفر شهروند فرانسوی ۷ نفر نگرند که مبادا قربانی جرم شوند.<sup>(۱۳)</sup>

تحقیقی که کمیسیون جوانان دانمارکی در سال ۱۹۴۶ به عمل آورد حاکی از این

امر است که متون مورد علاقه طبقه جوان دانمارک مباحث جنایی و ستون حوادث هفتگی است.<sup>(۱۳)</sup>

رسانه‌های جنایی با عادی جلوه دادن وقایع جنایی یا هیجان بخش به اخبار و گزارش‌ها در جهت خلق شرایط جذب کننده برای مشتریان و حفظ مشتریان تلاش می‌کنند و به بزرگنمایی و تعریف و تمجید و توجیه پدیده‌های جنایی می‌پردازند.

ادبیات مورد استفاده این قبیل رسانه‌ها را اصطلاحاً «سیاه» می‌گویند.<sup>(۱۴)</sup>

#### ب) نقش رسانه در فرآیند جرم زدایی و (کارکرد مثبت آن)

در موارد فوق‌الذکر بیشتر به کارکردها و مکانیسم‌های منفی رسانه در افزایش دامنه جرم و خیانت اشاره شد و تأثیرات احتمالی و الگو برداری مؤثر در تمایل به انجام اعمال ضد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و گفته شد که جرم زدایی رسانه‌ها به عواملی هم چون تعامل محتوای رسانه‌ها (خصوصیات جرایم و مجرمان آن‌ها) بافت رسانه‌ها، مقدار پوشش، سبک ارائه، پخش جرایم همراه با حمایت از آن‌ها و بافت اجتماعی (هنجارهای فرهنگی موجود، گرایش‌های مصرف کنندگان، فرصت‌های ارتکاب جرم و تعداد خلافکاران) بستگی دارد و این شواهد دلالت بر این امر داشتند که رسانه‌ها بر برخی افراد تأثیرات قابل توجهی گذاشته و اگر چه نمی‌توانند از افرادی که زمینه آن را ندارند، مجرم بسازند اما نقش کاتالیزور، معلم و آموزش دهنده را به خوبی بازی می‌کنند، مخصوصاً کودکان و بیماران روانی و طالبان شهرت و تروریسم‌ها را به شدت تحریک می‌نمایند اما در مکانیسم مثبت باید گفت رسانه‌ها به دلیل

برخورداری از حجم زیاد مخاطب، می‌توانند از لحاظ بسیج منابع جهت تحقیق جنایی و کمک به مأموران تحقیق مورد توجه قرار گیرند.

رسانه‌ها با توصیف اشخاص و علائم و نشانه‌های تبهکاری و تبهکاران فراری که پلیس در جستجوی آن‌هاست و انتشار مشخصات گم‌شدگان، انتشار علل وقوع جرم و توصیف اشیای مسروقه و وضعیت بزه دیده، انتشار شماره‌ی اسکناس‌های مسروقه، مردم را متوجه اعمال بزهکاران نمایند و از طرفی با آموزش و روش‌های مقابله با جرایم و تنویر افکار عمومی نقش پیشگیرانه ایفاء نمایند و با دادن اطلاعات هشداردهنده به افزایش مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی کمک نمایند یا آن که باشاننازهای تبلیغاتی وزیر سؤال بردن جرم، مانع اشاعه جرم شوند و یا با عدم پوشش خبری و استفاده از شگردهای خاص پوشش، مانع نشراندیشه‌ها و شیوع بزهکاری شوند و با تقویت فضای عقلانیت، آرامش و توازن عاطفی، مانع بروز انگیزه‌های جنایی گردند.

رسانه‌های گروهی به شیوه‌های مختلفی می‌توانند در پیشگیری از جرم و به موازات آن ارتقای دانش حقوقی جامعه مؤثر باشند که مهم‌ترین موارد این گونه شیوه‌ها عبارتند از:<sup>(۱۵)</sup>

- ۱ - پیشگیری از بزهکاری از طریق آموزش عمومی؛
- ۲ - پیشگیری از بزهکاری از طریق انعکاس صحیح اخبار در جرایم؛
- ۳ - پیشگیری از بزهکاری از طریق انعکاس صحیح عوامل مختلف حقوقی، قضایی و اجتماعی منجر به جرم؛
- ۴ - پیشگیری از بزهکاری از طریق اصلاح و بهبود و محتوای برنامه‌های نمایشی؛
- ۵ - پیشگیری از بزهکاری از طریق افشای جرایم ملی.



## گفتار دوم: نقش آموزش و تبلیغات در پیشگیری از جرم

چنان چه قوه قضاییه با جلب همکاری مردم و سایر ارکان دولتی دامنه آموزش را به کوچک ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده گسترش دهد، ایفای نقش پیشگیری در کنار اصلاح مقررات و قوانین عملی تر خواهد بود.

تصور عمومی از انجام "اصلاحات قضایی" در قوه قضاییه متوجه اصلاح قوانین جاری، احیای دادسرا، تعدیل مجازات ها و ارائه تعاریف جدید از جرم و مجازات است؛ در حالی که به موازات انجام اصلاحات باید به نقش اساسی آموزش و تبلیغ در جهت جلوگیری از وقوع جرم و دفاع و آگاهی مردم نسبت به حقوق خود، توجه شود.

امروزه عده زیادی از مردم پس از آن که طرف یک دعوا قرار می گیرند از اهمیت عمل خود مطلع می شوند و در موارد بسیاری جبران غفلت آن ها جز با پرداخت هزینه سنگین معنوی و مادی مقدور نیست. غالباً کسانی که قرارداد را امضا می کنند یا اقدام به ثبت شرکت می نمایند یا با افتتاح حساب جاری در بانک ها دسته چک می گیرند، خانه ای اجاره می کنند، پیوند زناشویی می بندند یا برای رفع مشکل مالی به رباخواری روی آور می شوند به آثار و تبعات ناشی از اقدام خود آگاه نیستند. به علاوه عده ای که به خدعه و نیرنگ دیگران دچار می شوند، به شیوه دفاع از حقوق خود آشنا نیستند.

از سوی دیگر امروزه به دلیل فقر آگاهی های عمومی و نداشتن امکانات مالی لازم مراجعه به وکیل و مشاوره حقوقی مرسوم نیست؛ زیرا هزینه این گونه خدمات بسیار زیاد است و تنها پرداخت آن از عهده عده معدودی بر می آید.

لذا نقش آموزش عمومی باید به عنوان یکی از ارکان اصلاحات اساسی مورد توجه

قرار گیرد و وقوه قضاییه می تواند با اتکا به اصول و روش های زیر به اهداف متعالی خود دست یابد:

۱ - بیش از ده میلیون نوجوان و جوان در راه ورود به زندگی و فعالیت های اجتماعی هستند و باید آموزش شیوه های زندگی قانونمند را در مدارس آموزش ببینند؛ زیرا تعلیمات عمومی به مدارس به هیچ وجه با مقتضات دنیای امروز سازگار نیست. قوه قضاییه می تواند به طور اختصاصی با تهیه جزوه ها و کتابچه های جذاب در هر مقطع تحصیلی به تدریج نوجوانان و جوانان را با حقوق و تکالیف خود آشنا کند.

۲ - بخشی از برنامه ها و اوقات صدا و سیما را با تهیه برنامه های قابل قبول از قبیل برگزاری مسابقات در زمینه اطلاعات عمومی حقوقی، سریال های با ارزش علمی و هنری و حتی تبلیغات به خود اختصاص دهد.

۳ - نشریه و جزوه های مؤثر با طراحی هنرمندانه در اختیار دفاتر اسناد رسمی، بانک ها و ادارات ثبت اسناد و املاک و شرکت ها، بنگاه های معاملات ملکی و سازمان های و مؤسساتی که امور آن ها مرتبط با مسائل حقوقی و قضایی است، تهیه شود و مؤسسات مذکور ملکف شوند تا قبل از قطعی شدن هر معامله یا تنظیم سند و غیره این نشریات را در اختیار مراجعان خود قرار دهند. در این جزوات آثار تبعی هر اقدام و مشکلاتی که ممکن است در این موارد برای مردم به وجود آید بایستی توضیح داده شود.

۴ - قوه قضاییه از طریق درج شعارها و هشدارها به طور مستمر در مطبوعات کثیرالانتشار دانستنی های ضروری را به اطلاع مردم برساند.

امروزه استفاده از هنر به طور اعم در جدی ترین و علمی ترین اصول اداره و مدیریت حتی در سطح کشور ضرورتی است انکارناپذیر قوانین و مقررات خشک اگر به زبان مردمی و غیر هنرمندانه گسترش یابد وسعت و دامنه تأثیر آن ناچیز خواهد بود، اگر هزینه های چنین اقداماتی در برود امر هنگفت باشد در آتیه نزدیک در نتیجه کاهش حجم منازعات و سبک تر شدن کار قضایی جبران خواهد شد.<sup>(۱۶)</sup>

### گفتار سوم: نقش اعتقادات مذهبی در پیشگیری از جرم<sup>(۱۷)</sup>

درباره نقش مذهب در پیشگیری از جرم (جرائم اولیه یا ثانویه (تکرار جرم)، تحقیقات متعددی انجام شده است. برخی از نویسندگان اهم تدبیر و تلاش های باز پرورنده بزه کاران را که می تواند به کاهش تکرار جرم منجر شود در چهار عنوان بر می شمارند: ۱ - آموزش ۲ - درمان ۳ - اصلاح و تغییر رفتار ۴ - تعالی مذهب. «دولف» تأکید می کند که تعالی مذهبی به فرایند باز پروری بسیاری از مجرمان آزاد شده کمک می کند و باعث تغییرات رفتاری مشخصی می گردد که در بسیاری از موارد موجب کاهش نرخ تکرار جرم است. این تعالی مذهبی، شیوه و روش زندگی مجرمان آزاده شده را تغییر می دهد. «بسیاری از این اشخاص (مجرمان آزاد شده) طی مسیر بازسازی و تعالی مذهبی، به بصیرت و آگاهی های نوینی نسبت به اهداف زندگی و تجارسی از کمک های خداوند دست یافتند که زندگی آنان را دوباره ساخته است».

برخی از نویسندگان، خانواده، فرهنگ،

مذهب، اجتماع و مدرسه را پنج ستون حمایت کننده فرد دانسته اند و معتقدند «کشورهایی که تناسب صحیحی بین این پنج ستون حمایت کننده برقرار ساخته اند، فضایی برای رهبری قوی ایجاد کرده، زندگی با کیفیت و موفقیت اقتصادی دارند.»

### الف) طرق پیشگیری از جرم و گناه در حقوق اسلام<sup>(۸)</sup>

نحوه پیشگیری از جرم در شریعت اسلام با سایر نظام های موضوعه بشری متفاوت است؛ چون اسلام با اهتمام در نشر تعلیمات اخلاقی و تهذیب نفوس و آموزش مبانی عقیدتی و راهنمایی مردم به انجام کارهای نیک و پرهیز از جرایم و منکرات، امیدوار است که تا حد ممکن، افراد را از دست زدن به ارتکاب جرم باز دارد. این شیوه قانون گذاری برای سالم سازی محیط زندگی و جلوگیری از جرم، در نظام کیفری اسلام که احکام آن، مستند به علم و حکمت الهی است، موجب می شود پیروان این شریعت آسمانی، اطاعت از مبانی اعتقادی و عبادی و دستورات اخلاق اسلامی را فریضه و تکلیف خود دانسته، و تخلف از آن ها را گناه و مستحق کیفر بدانند. بر این مبنا، اسلام برای سالم سازی محیط زندگی و بازداشتن مردم از معصیت و گناه، تدابیر خاصی اندیشیده، و برای اجرای آن ها به طرق مختلف اصرار ورزیده است.

اهم این تدابیر، که از نظر اهمیت، مقدم بر مجازات قرار دارند و مورد بحث ما می باشند، به ترتیب عبارتند از: ۱- جهان بینی توحیدی و نقش بازدارندگی آن؛ ۲- تهذیب و تزکیه نفس به وسیله تعلیمات اخلاقی؛ ۳- نهاد امر به معروف و نهی از منکر.

### ۱- جهان بینی توحیدی و نقش بازدارندگی آن

با این که در بادی امر، ممکن است نقش جهان بینی توحیدی در پیشگیری از جرم و گناه چندان چشمگیر نباشد، اما با کمی دقت در منابع حقوق اسلام، به ویژه در آیات قرآن کریم، نقش بازدارندگی جهان بینی توحیدی در جلوگیری از جرم و گناه به خوبی قابل درک است.

بی تردید، توحید و یکتا پرستی تنها یک امر درونی نیست بلکه اعتقاد به حاکمیت الله، دارای آثار عملی در حیات مادی، معنوی و زندگی اجتماعی است و هر گونه فعالیت را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

بدین ترتیب، پیروی از دین مبین اسلام، یعنی دینی که پیروان آن افرادی که حاکمیت بر جهان و انسان را از آن خداوند و همه عالم را محضر حق تعالی می دانند و به روز حساب و معاد اعتقاد دارند، نقش بسیار زیادی در بازدارندگی فرد در ارتکاب جرم و گناه به دنبال خواهد داشت. از این دیدگاه جهان بینی توحیدی عاملی است، که انسان را در کلیه شرایط، از انحراف و کجروی و ارتکاب گناه باز می دارد. نقش بازدارندگی این عامل نسبی است و در نزد همه افراد یکسان نیست بلکه بستگی به میزان پابندی آن ها به مبانی جهان بینی الهی دارد. بنابراین، هر اندازه در جه ایمان و اعتقاد به خداوند در نزد مسلمین بیشتر باشد، در صد ارتکاب جرایم و معصیت کم تر خواهد بود. از طرف دیگر، قرآن کریم در داستان حضرت یوسف (ع) با ظرافت خاصی، نقش مبانی عقیدتی و جنبه های بازدارندگی اعتقاد به جهان بینی توحیدی را تبیین کرده است. و این مطلب در نزد مسلمین و پیروان دین مبین اسلام امری قطعی و مسلم تلقی می شود؛ هر چند ممکن است تصور آن برای کسانی که جهان را صرفاً از

دید مادی می نگرند، قابل درک نباشد.

### ۲- تهذیب و تزکیه نفس به وسیله تعلیمات اخلاقی

یکی دیگر از طرق پیشگیری از وقوع جرم و گناه در نظام حقوقی اسلام، نشر تعلیمات اخلاقی برای تهذیب نفس است؛ زیرا هدف بخش عمده ای از رسالت پیامبر (ص) هدف تکمیل و انتشار فضایل اخلاقی است.

تعلیم و آموزش دستورات اخلاقی، که در منطق قرآن کریم از رسالت انبیاست، نه تنها موجب اصلاح اخلاقی افراد می شود بلکه به طور غیر مستقیم، نتیجه آن به تأمین نظم عمومی نیز کمک می کند؛ زیرا بی گمان در جامعه ای که اکثر افراد در آن پرهیزکار هستند و اصول اخلاقی را رعایت می نمایند، برقراری نظم و اجرای عدالت، آسان تر به دست خواهد آمد. بدین لحاظ، اسلام یکی از راه های پیشگیری از گناه و جرم را تبلیغ و نشر تعلیمات اخلاقی قرار داده است. بدین وسیله، انسان ها را به فطرت اولیه خویش سوق داده، وجدان آن ها را بیدار می کند و در پرتو رعایت دستورات اخلاقی اسلامی، زمینه انحراف و گناهکاری به حداقل می رسد.

### ۳- نهاد امر به معروف و نهی از منکر و نقش بازدارندگی آن ها

یکی دیگر از راه های پیشگیری از وقوع جرم در فقه، نظارت عمومی مردم بر رفتار یکدیگر با هدف بازداشتن مردم از ارتکاب گناه و جرم است. احکام امر به معروف و نهی از منکر - که یکی فروع دین اسلام است - به هدف پیشگیری و جلوگیری از شیوع انحرافات اخلاقی و جرم و گناه در جامعه اسلامی پیش بینی و برقرار شده است.

در تبیین معنای معروف و منکر اقوال گوناگونی ارائه شده است؛ برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می دانند (تفتازانی، بی تا، ج ۲، ص ۵۸۰) و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به

معنای این دو افزوده اند؛ (فاضل مقداد، ۱۳۶۸، صص ۵۷ و ۵۸). علاوه بر این، در تبیین مفهوم این دو واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۳۱). مرحوم علامه طباطبایی، معروف را به معنای آن چه که با ذائقه‌ی افرادی یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد، دانسته و می‌گوید: «فالمعروف یتضمن هدایه العقل و حکم الشرع و فضیله الخلق الحسن و سنن الادب» (طباطبایی، ج ۲، ص ۲۳۶)؛ در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می‌باشد.<sup>(۱۹)</sup> و منکر در لغت به معنی کار زشت و ناپسند و انکار آمده است. از نظر فقهی، منکر هر فعل یا ترک فعلی است که قانون‌گذار اسلام ارتکاب آن را ممنوع کرده است. صرف نظر از آیاتی که شارع مقدس، ضمن بیان احکام کارهای نیک و پسندیده، از تکاب اعمال مخالف دستور الهی را منع کرده است، در سایر منابع قرآنی خاص این نهاد در آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران بیان شده است. به علاوه، در احادیث و روایات منقول از رسول اکرم (ص) و معصومین (ع) توصیه و تأکید زیادی بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر به عمل آمده است. به همین مناسبت، تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل هشتم این قانون، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه همگانی و متقابل مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت پیش‌بینی و اعلام کرده‌اند. به هر حال، آن چه از مجموع مفاد آیات، روایات و مدلول اصل هشتم قانون اساسی جمهوری ایران استفاده می‌شود، این است که تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما، وسیله خوبی برای پیشگیری از وقوع جرم و انحرفات اخلاقی است. بدیهی

است که در شرایط فعلی، انجام این وظیفه خطیر، همان گونه که قانون‌گذار در اصل هشتم قانون اساسی متذکر شده‌اند. بر عهده حکومت جمهوری اسلامی است؛ اگر چه مسئولیت دولت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، مانعی برای همکاری مردم با دولت اسلامی در راه امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود؛ زیرا این آموزه نه تنها روابط شهروندان نسبت به یکدیگر را پوشش می‌دهد و هر یک از آن‌ها را در قبال دیگران مسئول و پاسخگو می‌داند بلکه مسئولیت شهروندان نسبت به دولت مردان و متصدیان بخش‌های مختلف حکومت را نیز به رسمیت می‌شناسد. در حکومت اسلامی از نظر سمت‌های اداری و حکومتی، مقامی بالاتر از مقام رهبری نیست. با وجود این، شهروندان موظف به نظارت بر کار رهبری و امر به معروف و نهی از منکر او در حد توان خود می‌باشند که از این امر در روایات به «تصحیح به ائمه مسلمین» یاد شده است. البته با توجه به این که معمولاً دولت مردان (در عالی‌ترین فرض) به لحاظ فشارهای کاری، کم‌تر انتقادات را بر می‌تابند و نیز به لحاظ عدم آگاهی شهروندان نسبت به شکل بیان صحیح انتقادات، ضرورت دارد که هم دولت مردان از سعه صدر لازم برخوردار باشند و هم شیوه‌های اصولی بیان انتقادات به شهروندان آموزش داده شود. این مهم از جمله مسائلی است که ضرورت تدوین اصول و برنامه‌های صحیح و مؤثر برای نهادینه کردن و آموزش امر به معروف و نهی از منکر به شهروندان را روشن می‌سازد.

ادامه دارد...

پی نوشت‌ها:

- ۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- ۲- انصاف پور، غلامرضا، فرهنگ فترسی،

- انتشارات زوار، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۷۹.
- ۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات جرم شناسی نظری (دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس)، سال ۱۳۷۹، ص ۱۱.
  - ۴- تقریرات جرم شناسی (دوره کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی قم)، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۱۹.
  - ۵- غلامی، حسین، حمایت از حقوق آزادی‌های اشخاص در اوضاع و احوال مخاطره آمیز، مجله امنیت، شماره ۱۰-۹، سال چهارم، ۱۳۷۹.
  - ۶- دادستان، دکتر پریدخت، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲.
  - ۷- ستوده، هدایت‌الله، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۰.
  - ۸- دانش، دکتر تاج‌زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، انتشارات کیهان، چاپ نهم، خرداد ۱۳۸۱.
  - ۹- کاری، روبر، مداخله شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱.
  - ۱۰- نجفی ابرند دکتر آبادی، علی حسین، تقریرات جرم شناسی نظری (دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس)، سال ۱۳۷۹، ص ۱۱.
  - ۱۱- جهان‌بین، داریوش، نقش رسانه‌ها در کنترل امنیت اجتماعی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۳، ۱۳۸۲.
  - ۱۲- آشوری، دکتر محمد، جزوه جامعه شناسی جنایی، دانشگاه امام صادق (ع)، سال ۱۳۸۰.
  - ۱۳- کی‌نیا، دکتر مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ج اول، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
  - ۱۴- شیخ آوندی، داور، آسیب شناسی اجتماعی، گناباد، نشر مرد، چاپ اول، ۱۳۷۲.
  - ۱۵- روزنامه ماوی (نشریه داخلی قوه قضاییه)، مقاله رسانه ارتباط جمعی به دلیل کثرت مخاطبان بهترین ابزار پیشگیری از جرم، شماره ۳۱۱، دوشنبه ۱۳۸۲/۳/۱۱.
  - ۱۶- شلیله، محمدرضا، نقش رسانه‌های گروهی در کاهش یا پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.
  - ۱۷- غلامی، حسین، بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
  - ۱۸- ولیدی، دکتر محمد صالح، بایسته‌های حقوقی جزای عمومی (مختصر النافع)، تهران، انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۲.
  - ۱۹- حاجی ده‌آبادی، دکتر محمد علی، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره اول، تابستان ۱۳۸۲.